

Economic Recession Forecast Resulting from the COVID-19 Pandemic Using the 1929 Economic Recession Model

Ruhollah Shokri¹, Mehdi Khoshkhati², Seyed Farshid Jafari³

¹ Ph.D., Student, Department of International Relations, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
rh.shokri60@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran
(Corresponding author), M.khoshkhatti@yahoo.com

³ Assistant Professor, International Relations, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
ffajfariz@gmail.com

Abstract

While identifying the causes of the COVID-19 disease and investigating the roots of the economic crisis from 1929 to 1932, this research attempts to forecast the economic recession resulting from the COVID-19 pandemic according to the 1929 economic recession model. The research methodology is descriptive-analytical, and it is based on the hypothesis that the economic recession caused by the COVID-19 pandemic, following the pattern of the 1929 economic recession, leads to the disruption of public financial balance, a decrease in trade volume, inflation, unemployment, and a reduction in economic growth. The results indicate that with the spread of the coronavirus, economic activity worldwide was severely disrupted, and production decreased. The global economic activities, such as global public financial balance, global unemployment rate, global inflation rate, global trade volume, and global growth rate, were adversely affected by the spread of the coronavirus. The unemployment rate increased globally in 2020 following the coronavirus pandemic. In 2019, global economic growth slowed due to a decline in investment and global trade. With increased uncertainty in trade, coupled with isolationist measures, a significant contraction in international trade occurred, and it is expected that global import volume will decrease by approximately 10% in 2020. Compared to the Great Recession of 1929 and the global crisis of 2008, the coronavirus crisis has created a warning signal in the global economy. It has been defined as a major crisis that the world has not experienced until today. Governments have been forced to inject immediate liquidity into the market to reduce bankruptcies, prevent unemployment, prevent income loss, and prevent other economic disruptions.

Keywords: COVID-19, Economic Recession, Trade, Inflation, Unemployment, Economic Growth, 1929 Economic Recession Model.

Received: 2023-03-27 ; **Received in revised form:** 2023-04-19 ; **Accepted:** 2023-05-06 ; **Published online:** 2023-05-10

<https://doi.org/10.22034/sm.2022.552916.1872>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



امکان‌سنجی رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹

روح‌الله شکرى^۱، مهدی خوش‌خطی^۲، سید فرشید جعفری^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. rh.shokri60@gmail.com

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، ایران (نویسنده مسئول). M.khoshkhatti@yahoo.com

^۳ استادیار، روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. fjarfariz@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر ضمن علت‌یابی بیماری کووید ۱۹ و بررسی ریشه‌های بحران اقتصادی فاصله سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲، تلاش دارد که رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ را طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹م امکان‌سنجی کند. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و بر این فرضیه استوار است که رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹، طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹م، باعث به هم خوردن تعادل مالی عمومی، کاهش حجم تجارت، تورم، بیکاری و کاهش رشد اقتصادی شده است. نتایج نشان داد که با شیوع ویروس کرونا، فعالیت اقتصادی در سراسر جهان مختل شد و تولیدات کاهش پیدا کرد. شیوع ویروس کرونا به طور جدی بر فعالیت‌های اقتصادی مانند تراز مالی عمومی جهانی، نرخ بیکاری جهانی، نرخ تورم جهانی، حجم تجارت جهانی و نرخ رشد جهانی تأثیر منفی گذاشته است. نرخ بیکاری در پی همه‌گیری کرونا در سال ۲۰۲۰م، در تمام کشورهای جهان افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۹م، به دلیل کاهش در سرمایه‌گذاری و تجارت جهانی، رشد اقتصادی جهان کند شده است. با افزایش عدم اطمینان در تجارت، همزمان با اقدامات انزوایی، انقباض قابل توجهی در تجارت بین‌الملل تجربه شد و انتظار می‌رود که حجم واردات جهانی در سال ۲۰۲۰م حدود ۱۰ درصد کاهش یابد. در مقایسه با رکود بزرگ ۱۹۲۹م و بحران جهانی ۲۰۰۸م، بحران ویروس کرونا باعث ایجاد زنگ خطر در اقتصاد جهان و به عنوان بحران بزرگی تعریف شد که تا به امروز جهان تجربه نکرده بود. دولت‌ها مجبور شده‌اند به منظور کاهش تعداد ورشکستگی، جلوگیری از بیکاری، جلوگیری از دست دادن درآمد و جلوگیری از سایر تخریب‌ها در اقتصاد، جریان فوری نقدینگی را به بازار وارد کنند.

واژه‌های کلیدی: کرونا، رکود اقتصادی، تجارت، تورم، بیکاری، رشد اقتصادی، الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹.

استناد به این مقاله: شکرى، روح‌الله؛ خوش‌خطی، مهدی؛ جعفری، سید فرشید (۱۴۰۲). امکان‌سنجی رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹. *سیاست متعالیه*، ۱۱(۴۱): ص ۲۸۵-۳۰۱. <https://doi.org/10.22034/sm.2022.552916.1872>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۱/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰



۱. مقدمه

اعتقاد بر این است که مبدأ شیوع کرونا ویروس در دسامبر سال ۲۰۱۹م. در ووهان^۱ چین بوده است. این ویروس در ژانویه ۲۰۲۰م. به یک همه‌گیری تبدیل شد به گونه‌ای که ۱۸۸ کشور را دربرگرفت و با وجود آنکه برخی از کشورها توانسته‌اند که واکنش ضد کرونا را تولید کنند، هنوز مخاطرات مخرب و مرگبار این ویروس به پایان نرسیده است و با توجه به جهش‌هایی که در ساختار این ویروس صورت گرفته و تغییر کارکرد داده و در شکل‌های تازه‌تری خود را در سلول‌های خونی نشان می‌دهد، به نظر نمی‌رسد که شاهد پایان مخاطرات چنین کابوس مرگباری باشیم. اساساً همه‌گیری‌ها از آنجایی که مخاطرات فراوانی را از لحاظ سلامت، اقتصاد و امنیت و امنیت بین‌المللی دارند، می‌توان آن را به عنوان یک بحران در نظر گرفت.

بحران کرونا یا همه‌گیری کرونا در مقایسه با بحران مالی ۲۰۰۸م. و رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰م. دارای پیامدهای متفاوتی در حوزه‌های سلامت، اقتصاد و امنیت بین‌المللی بوده است. بنابراین، می‌توان گفت که پیامدهای همه‌گیری و بحران کرونا تفاوت‌های عمده‌ای با بحران‌های قبلی دارد. به این معنی که پیامدهای این بحران و همه‌گیری برخلاف دو بحران قبلی، بسیار سریع و در مقیاس وسیعی بروز کرده است. برای مثال، پیش‌بینی‌ها از افزایش نرخ بیکاری در آمریکا بر اثر شیوع این ویروس، تقریباً دو برابر بحران‌های قبلی است. تفاوت مهم دیگر، مدت زمان رکود در دو بحران قبلی و شرایط فعلی است. در بحران‌های قبلی، کاهش رشد اقتصادی برای یک دوره طولانی بروز کرد، چراکه عامل به وجود آورنده بحران در سال ۲۰۰۸م. ضعف ساختارهای بانکی و فقدان سیاست‌گذاری احتیاطی مناسب طی سال‌های متمادی بود که باعث بروز بحران شده بود و ترمیم ساختارهای مالی، نیاز به زمان داشت. طبق پیش‌بینی‌ها احتمال آنکه پیامدهای رکودی کرونا گذرا باشد، بالاتر است، چراکه عامل ایجادکننده آن خارج از بنیان‌های اقتصادی است و تصور می‌شود که در دوره نسبتاً کوتاهی، مشکل بهداشتی قابل کنترل است. اگر این فرضیه محقق نشود، آثار سیاست‌های انبساطی هم به طور کامل اثربخش نخواهد بود.

با همه پژوهش‌هایی که در کووید ۱۹ و بحران کرونا از سوی پژوهشگران حوزه بین‌الملل صورت گرفته، به نظر می‌رسد که جای پژوهشی که رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ را طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹م. امکان‌سنجی کند، به جد خالی است. پژوهش حاضر درصدد است که خلاءهای پژوهشی در این زمینه را با محوریت این موضوع پر کند. با عنایت به موضوع، پژوهش حاضر عهده‌دار پاسخ به این

پرسش اصلی است که: طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹م. رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ چگونه امکان‌پذیر است؟ داده‌ها و یافته‌های پژوهش بر این نکته تأکید می‌کنند که: رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹م. منجر به هم خوردن تعادل مالی عمومی، کاهش حجم تجارت، تورم، بیکاری و کاهش رشد اقتصادی شده است.

۲. تبیین چارچوب نظری پژوهش در الگوی نظری رکود تورمی

رکود تورمی^۱ که از آن به ایستایی تورمی در اقتصاد سیاسی یاد می‌شود، شامل رکود همزمان با تورم در سازوکارهای اقتصادی است. رکود اقتصادی حاصل رشد منفی سه ماهه است، به این معنی که در فرایندهای تولید، درآمد، اشتغال و تجارت، روند کاهشی به وجود آید. از منظر زمانی، طول مدت رکود تورمی حداقل بین شش ماه تا یک سال است. از طرف دیگر، روند کاهشی بودن تولید ناخالص داخلی، معنای دیگر رکود تورمی است. تورم^۲ از منظر علم اقتصاد به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پول و قیمت گفته می‌شود. در واقع افزایش نامتناسب و نامتوازن سطح عمومی قیمت‌ها از یک طرف و افزایش روند قیمت‌ها به معنی تورم است (طیب‌نیا و قاسمی، ۱۳۸۹: ص ۲۰۶).

از نظر بسیاری از کارشناسان اقتصادی، بروز و ظهور پدیده‌ای چون رکود تورمی، حاصل عوامل اقتصادی است. از منظر اقتصاددانان، عواملی چون ویژگی‌های ساختاری هر اقتصاد، میزان کارایی سیاست‌های پولی و مالی، ساختار بودجه‌ای دولت، میزان کشش‌پذیری سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره، چگونگی جانشینی جبری، الگوهای مصرف، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و میزان نقش دولت در اقتصاد، در بروز رکود تورمی نقش دارند. در واقع عواملی که در تشدید یا بروز این پدیده نقش دارند، همان عوامل نیز به مثابه راهکاری در خروج از وضعیت رکود تورمی نقش ایفا می‌نمایند (طیب‌نیا و قاسمی، ۱۳۸۹: ص ۱۸۳).

اما در نگره و انگاره‌های برخی دیگر از اقتصاددانان، عوامل سیاسی - اجتماعی در بروز پدیده‌ای به نام رکود تورمی نقش دارند. در واقع این اقتصاددانان معتقدند که بروز و ظهور پدیده‌ای به نام رکود تورمی، تک‌علتی نیست. بنابراین، زمانی که پای مسئله‌ای به نام رکود تورمی در میان است، پای عواملی چون عوامل سیاسی - اجتماعی نیز در میان است. در واقع به همان میزان که دلایل اقتصادی در رکود تورمی نقش دارند، به

1. Stagflation

2. Inflation

همان میزان نیز دلایل سیاسی در رکود تورمی نقش دارند. در این ارتباط، اقتصاددانان بر این باورند که تغییرات مکرر و دائم مدیران و مسئولان، یکی از کلیدی‌ترین و محوری‌ترین دلایل در افزایش هزینه تولید محسوب می‌شود. همین مسئله نه تنها باعث صرف هزینه‌ها و ایجاد شرایط سردرگمی و تردید در فرایند سرمایه‌گذاری از سوی سرمایه‌گذاران می‌شود، بلکه باعث افزایش هزینه تولید نیز می‌گردد. افزون‌بر این، نوعی ابهام و مسکوت بودن قوانین در قبال برخی از سازوکارهای اقتصادی و همچنین ناتوانی و ناکارآمدی ساختارهای اقتصادی در برخی از کشورها نظیر کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه و حتی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، موجب افزایش هزینه تولید و در نتیجه بروز پدیده‌ای چون رکود تورمی است. در کنار همه دلایل بروز پدیده‌ای به نام رکود تورمی، طول عمر و استمرار رویکردهای دولتی و به عبارتی دولتی شدن سازوکارهای اقتصادی و همان دولتی شدن امر اقتصاد، بر بروز پدیده‌ای به نام رکود تورمی نقش دارند (میرهاشمی نائینی و گوگردچیان، ۱۳۹۰: ص ۶۱).

اقتصاددانان برای خروج از وضعیت رکود تورمی، راه‌حل‌های ساده و جداگانه‌ای را تجویز می‌کنند. اغلب این اقتصاددانان رویکرد کینزی^۱ را یکی از راه‌حل‌ها می‌دانند. از نظر این گروه، وضعیت رکود و کساد، ریشه در کمبود و یا کاهش تقاضا دارد. بنابراین و تحت این شرایط، راه‌حل آن فقط در راهکاری چون سیاست‌های پولی و مالی انبساطی و یا همان تزریق پول و نقدینگی به سیستم اقتصادی می‌باشد. در این ارتباط اغلب اقتصاددانان بر این دیدگاه پافشاری می‌کنند که زمانی که هزینه‌های عمرانی از طرف دولت افزایش می‌یابد، از حجم مالیات‌ها کاسته می‌شود و با اتخاذ استراتژی سیاست کسری بودجه آگاهانه، زمینه را برای افزایش تقاضا فراهم می‌کند. از این اقدامات و اتخاذ این تدابیر، در ادبیات اقتصادی به مدیریت سیاست‌های مالی نام برده می‌شود. در همین وضعیت بانک مرکزی نیز لاجرم می‌بایست با افزایش حجم پول و تزریق پول به سیستم یا همان افزایش نقدینگی، زمینه را برای سیاست پولی انبساطی فراهم کند، با این هدف که حجم سرمایه‌گذاری و مصرف و همچنین تقاضای کل بالا برود و شرایط برای کاهش یا تخفیف رکود یا کساد فراهم گردد (میرهاشمی نائینی، ۱۳۹۰: ص ۹۱).

پدیده‌ای به نام تورم یا رکود تورمی اگرچه ممکن است حاصل و نتیجه دلایل متعدد و متفاوتی باشد، اما درمان آن فقط محدود به سیاست‌های پولی و مالی انقباضی است و این راهکاری است که اغلب اقتصاددانان

روی آن اشتراک نظر دارند. در واقع تلاش برای کنترل حجم نقدینگی و ایجاد حالت توازن بابت تزریق پول به سیستم، افزایش نرخ بهره و همچنین افزایش مالیات در کنار کنترل هزینه‌های دولت و بودجه، امکان تورم را به طرز معناداری کاهش می‌دهد. در واقع اتخاذ این سیاست و اجرایی‌سازی آنها را باید به‌مثابه مکانیزمی برای کاهش تورم و بحران رکود تورمی دانست. افزون‌بر این، اتخاذ راهکارها و استراتژی‌های دیگری موجب کاهش تورم می‌شوند. این راهکارها را می‌توان در الگوها و سیاست‌هایی چون اصلاح ساختار اقتصادی، شایسته‌سالاری، افزایش بهره‌وری تولید دسته‌بندی کرد. البته این نکته دارای اهمیت است که این راهکارها از منظر زمانی، تابع زمان و مدت طولانی می‌باشند که به‌نوبه خود می‌تواند در کاهش معضلات ناشی از بحران اقتصادی نظیر تورم و رکود تورمی تاثیرگذار باشند (هژبرکیانی، ۱۳۹۰: ص ۲۵).

۱-۲. علت‌شناسی بیماری کووید ۱۹

درباره علت پیدایش کرونا ویروس، همواره از زمان شیوع آن سه فرضیه وجود داشته است. میکرو ارگانیسمی بودن، بیوتورویسمی خواندن، و خطاهای آزمایشگاهی در زمره مهمترین فرضیه‌های مربوط به علت پیدایش کرونا ویروس هستند (پیرموذن، ۱۳۹۹: ص ۴).

۱-۱-۲. علت پیدایش کرونا ویروس با تاکید بر میکروارگانیسمی بودن آن

فرضیه اول بر این نکته تاکید می‌کند که این ویروس میکروارگانیسمی است که در بدن حیوانات وجود دارد و به دلیل مصرف یک خفاش وحشی توسط یکی از ساکنان چینی تبار ووهان، به انسان منتقل شده است. به این ترتیب، ویروس کرونا قبل از آنکه یک بیوتورویسم باشد، بیشتر حاصل تکامل و مُتاسیون و جهش در ساخت و بافت این ویروس‌ها است که می‌تواند از طرق حیوانات به انسان منتقل شود (پورکریم، ۱۳۹۹: ص ۱). واقعیت آن است که به موازات توسعه صنعت و صنعتی شدن شتابان، ما شاهد کشف امراض و ریشه‌های آن یعنی باکتری‌ها، قارچ‌ها و ویروس‌ها هستیم. در حقیقت باور پزشکان بر این است که در صنعت، باکتری‌ها، قارچ‌ها و ویروس‌های جدیدی نیز کشف می‌شوند. در واقع فرایند جهش و مُتاسیون در بافت و ساخت ویروس‌ها، در فرایند توسعه صنعتی شدن رخ می‌دهد (غفاری، ۱۳۹۹: ص ۱).

۲-۱-۲. علت پیدایش کرونا ویروس با تاکید بر بیوتورویسمی بودن آن

در فرضیه بیوتورویسمی خواندن، ویروس کرونا قبل از آنکه نتیجه جهش و تکامل و مُتاسیون در بافت و ساخت ویروس باشد، نتیجه جنگی است که دست‌هایی برای مهندسی کردن آن در پشت کار بوده است. به عبارت دیگر، علت این ویروس را در زیر چتر نظریه‌های توهم، حاصل بیوتورویسم و جنگ مهندسی شده

قدرت‌های بزرگ می‌دانند. در این ارتباط، تئوری‌های توطئه در مورد منشأ ویروس جدید کرونا کم نیستند (اشرفی بناب، ۱۳۹۹: ص ۱).

در ماه ژانویه سال ۲۰۲۰م، تئوری‌هایی که مؤسسه ویروس‌شناسی ووهان را مبدأ انتشار ویروس می‌نامیدند، به همراه تئوری‌های توطئه درباره تحقیقات سرّی سلاح‌های بیولوژیک، در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شد. در همان زمان بود که واشنگتن‌پست هم پا به میدان گذاشت و از یک تئوری جدید نوشت، از اینکه این ویروس احتمالاً دست‌ساز بشر است. ویروس‌شناسانی که این روزنامه بر سر این تئوری به سراغشان رفت، بر پایه ویژگی‌های ویروس، گزینه جهش صورت‌گرفته به دست انسان را رد کردند. رأی این ویروس‌شناسان را تحقیقات دیگری که یک تیم پژوهشی به سرپرستی کریستیان گ. آندرسن^۱ آن را انجام داده بود، تأیید کرد. نتایج این تحقیق در تاریخ ۱۷ مارس در مجله نیچر مدیسن^۲ منتشر شد (اشرفی بناب، ۱۳۹۹: ص ۲).

۲-۱-۳. علت پیدایش کرونا ویروس با تاکید بر خطای آزمایشگاهی

در کنار دو فرضیه میکروارگانیزی بودن و بیوتروریسمی خواندن کرونا ویروس، فرضیه دیگری نیز وجود دارد که بر خطای آزمایشگاهی تاکید می‌کند، به این معنی که آیا احتمال ندارد که این ویروس واقعاً از آزمایشگاهی در ووهان چین که در آن بر روی ویروس‌های بدن خفاش تحقیق می‌شود، بیرون آمده باشد؟ (صدری، ۱۴۰۰: ص ۱). در این ارتباط، لوک مونتانیه^۳، کاشف ویروس اچ.آی.وی^۴ عامل اصلی بیماری ایدز و برنده جایزه نوبل فیزیولوژی و پزشکی سال ۲۰۰۸م، مدعی شد که کروناویروس جدید در آزمایشگاه شهر ووهان چین پدید آمده است. این دانشمند فرانسوی با طرح این ادعا که ویروس کرونا در یک آزمایشگاه و در نتیجه تلاش برای ساخت واکسن بر ضد ویروس ایدز پدید آمده، جنجال تازه‌ای به راه انداخت (صدری، ۱۴۰۰: ص ۱).

۲-۱-۴. علت همه‌گیری کرونا در ایران در پرتو رد نظریه توهم توطئه

همه‌گیری و شیوع ویروس کرونا در ایران، قبل از آنکه ناشی از جنگ بیولوژیک باشد، بیشتر ناشی از

1. Christian Andersen

2. Nature medicine

3. Luc Antoine Montagnier

4. H.I.V virus

روابط با چین و همچنین بی‌توجهی آسمان‌های ایران به هشدارهای این ویروس بود و در واقع این فقط آشی بود که چین آن را برای ایران پخته است. به همین علت است که شرکت هواپیمایی ماهان متهم ردیف اول این بحران یا همان بحران کرونا گیت شناخته شده است (هرسنی، ۱۳۹۸: ص ۱).

۳. آشنایی با ریشه‌های بحران اقتصادی فاصله سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ و آثار آن

رکود تورمی از منظر زمانی حاصل سال‌های پایان دهه ۱۹۳۰م. و سال‌های منتهی به جنگ جهانی دوم است. اواخر دهه ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰ را باید نقطه عطفی برای آغاز رکود تورمی دانست. رکود تورمی نتیجه بحران اقتصادی ۴ سپتامبر ۱۹۲۹م. در اروپاست. بحران ۱۹۲۹م. اروپا بزرگ‌ترین بحران اقتصادی اروپا می‌باشد. بحران اقتصادی ۱۹۲۹م. اروپا موجب کاهش ارزش سهام در ایالات متحده آمریکا نیز گردید (بشیریه، ۱۳۸۵: ص ۳۳۵). امواج بحران اقتصادی اروپا به ایالات متحده آمریکا تسری یافت و نه تنها باعث کاهش ارزش سهام، بلکه افزایش نرخ بیکاری را هم به دنبال داشت، به‌گونه‌ای که نرخ بیکاری در ایالات متحده آمریکا به میزان ۲۵ درصد افزایش یافت. افزایش نرخ بیکاری سبب گردید که بسیاری از کارگران به ایالت‌های دیگر آمریکا برای کارایی مسافرت کنند. البته قوانین حقوقی ایالتی، محدودیت‌هایی برای مسافرت کارگران ایجاد می‌کرد (بشیریه، ۱۳۸۵: ص ۳۳۷).

از منظر علت‌شناسی، ریشه‌هایی برای بحران اقتصادی آمریکا که متأثر از بحران اقتصادی ۱۹۲۹م. اروپا بود، از سوی اقتصاددانان سیاسی شناسایی شده است. در این ارتباط، عملکرد فدرال رزرو یا بانک مرکزی آمریکا، از دلایل اصلی بحران اقتصادی ایالات متحده آمریکا است. فدرال رزرو سیاست انقباض پولی را درست در زمانی اتخاذ کرد که اقتصاد آمریکا وارد رکود تورمی شده بود. فدرال رزرو در همین زمان تلاش داشت که نرخ تورم را مهار کند. میلتون فریدمن^۱ اقتصاددان مکتب نئولیبرال آمریکا در این باره اعتقاد داشت که اقدام فدرال رزرو که با هدف کاهش نقدینگی صورت گرفته بود، منجر به گسترش و توسعه بحران اقتصادی در ایالات متحده آمریکا گردید (بشیریه، ۱۳۸۵: ص ۲۸۵).

در این ارتباط جان مینارد کینز^۲ اقتصاددان دولت‌گرا و مطرح انگلستان، استراتژی افزایش مخارج را برای رهایی از بحران دولت‌ها را پیشنهاد کرد. کینز اعتقاد داشت که فقدان تقاضای کافی یا کاهش تقاضا از سوی

1. Milton Friedman

2. John Maynard Keynes

مصرف‌کنندگان، یکی از دلایل بحران اقتصادی است. کینز باور داشت که دولت تنها کارگزاری است که اختیار افزایش تقاضا و عرضه خدمات را در شرایط بحران اقتصادی دارد، چراکه در شرایط نابسامان اقتصادی و رکود تورمی، وضعیت اقتصادی مردم و به روایتی قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد و همین کاهش قدرت خرید مردم سبب می‌شود که پول کمتر خرج گردد، تقاضا و مصرف کاهش یابد و در نتیجه شرایط برای افزایش بیکاری و کاهش تولید ملی فراهم گردد (بشیریه، ۱۳۸۵: ص ۲۸۶).

باور و انگاره‌های مورخان اقتصادی بر این نکته تأکید می‌کند که نمی‌توان بروز و ظهور پدیده‌هایی چون رکود تورمی و در پی آن بحران اقتصادی را حاصل و نتیجه یک علل خاص و منحصر به فرد، محدود و خلاصه کرد. مثلاً در ایالات متحده آمریکا، کاهش مخارج و کاهش تولید، از دلایل بحران اقتصادی است. بنابراین، کاهش مخارج و به روایتی همان کاهش تقاضا، یکی از دلایل اصلی بحران اقتصادی در ایالات متحده آمریکا بوده است. البته همین مورخان اقتصادی اعتقاد دارند که ریشه‌ها و دلایل بروز بحران اقتصادی در آمریکا مانند اروپا یکسان نیست. در اروپا افزایش نقدینگی و به تبع آن تورم، از دلایل بحران اقتصادی در اروپا بوده است (شجاعی دیوکلائی، ۱۳۹۰: ص ۲۹).

بنابر اعتقاد مورخان اقتصادی، کاهش تولید در ایالات متحده آمریکا که از نظر زمانی از تابستان سال ۱۹۲۹م آغاز شد، ریشه در اتخاذ سیاست‌های پولی فدرال رزرو داشت. استراتژی فدرال رزرو در فاصله سال‌های ۱۹۲۸ تا ۱۹۲۹م باعث افزایش نرخ بهره گردید، با این امید که افزایش نرخ بهره بتواند از سرعت رشد قیمت‌های سهام بکاهد.

افزایش نرخ بهره، سبب کاهش تولید گردید و قیمت‌های سهام نیز رشد فزاینده‌ای یافت. این وضعیت باعث از دست دادن اعتماد سرمایه‌گذاران گردید که به دنبال خود ترکیدن حساب بازار بورس را به همراه داشت. به دنبال این وضعیت در روز پنجشنبه ۲۴ اکتبر ۱۹۲۹م که به پنجشنبه سیاه معروف و نام گرفت، فروش سهام آغاز شد و بسیاری از این سهام‌ها نیز با استفاده از تسهیلات و وام اعطایی خریداری گردید. البته کاهش قیمت سهام شرایط را به گونه‌ای فراهم کرد که بسیاری از سرمایه‌گذاران بتوانند به جهت جلوگیری از وخامت اوضاع، ذخایر خود را نقد کنند. آنگونه که مورخان گفته‌اند، فاصله قیمت سهام در ایالات متحده آمریکا بین ماه‌های سپتامبر و نوامبر به میزان ۳۳ درصد تفاوت داشت. افزون‌بر این، افت بازار سهام موجب کاهش تقاضا گردید. این وضعیت شرایط اقتصادی خانواده‌ها را وخیم کرد، به گونه‌ای که آنها را فقیر کرده و موجب افزایش مخارج آنان گردید. این وضعیت در تمام سال ۱۹۳۰م. ادامه یافت (شعبانی، ۱۳۹۰: ص ۳۲).

بحران‌های بانکی از ضربه‌های دیگر رکود سال ۱۹۳۰م. می‌باشد. بحران بانکی سال ۱۹۳۰م. زمانی

شدت گرفت که نوعی تردید در انگاره‌های سپرده‌گذاران به وجود آمد. در این ارتباط، سپرده‌گذاران به این باور رسیده بودند که بانک‌ها نمی‌توانند سود سپرده‌گذاران را پرداخت کنند. به این ترتیب ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۳۰م. بحران بانکی گسترده‌ای را تجربه کرد و پشت‌سر گذاشت. اما در بهار سال ۱۹۳۱م. و تداوم رکود تورمی در سال ۱۹۳۲م. و سرانجام تداوم این رکود تا سال ۱۹۳۳م. آخرین مرحله این بحران بود. این بحران موجب تحمیل خسارت‌های شدیدی بر نظام بانکداری ایالات متحده آمریکا گردید. در واقع از تبعات این بحران، آن بود که یک‌پنجم بانک‌های ایالات متحده آمریکا در ابتدای دهه ۱۹۳۰م. تعطیل شدند. با وجود این، فدرال رزرو تلاش داشت که از عمق و شدت بحران بکاهد. برای کاهش وخامت اوضاع، فدرال رزرو نقدینگی را کاهش داد، از دادن وام خودداری کرد، دستمزدها و قیمت‌های آینده نیز کاهش یافتند، نرخ بهره نیز به پایین‌ترین میزان خود رسید (عظیمی آرانی، ۱۳۸۹: ص ۲۵). در این ارتباط بسیاری از اقتصاددانان بر این باور بودند که اجرایی‌سازی استراتژی عرضه پول از سوی فدرال رزرو، تلاش برای کاهش ارزش پایه طلا بود (بشیریه، ۱۳۸۵: ص ۳۳۸).

بحران اقتصادی ۱۹۲۹م همچنین موجب ورشکستگی صنایع جوامع سرمایه‌داری و ایجاد اختلال در عرضه مواد اولیه از سوی کشورهای کمتر توسعه‌یافته گردید. این وضعیت واکنش جوامع توسعه‌یافته را به دنبال داشت. همچنین این شرایط تبعاتی چون کاهش درآمدهای کشورهای کمتر توسعه‌یافته را در پی داشت. البته مشکلات کشورهای کمتر توسعه‌یافته شامل موارد دیگری چون مشکلات پولی ارزی و کاهش واردات کالاها ساخته شده مصرفی نیز می‌شد (فیندلی، ۱۳۷۹: ص ۱۳۷).

بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹م سبب ورشکستگی صنایع و کارخانه‌ها در کشورهای صنعتی نیز گردید. این وضعیت سبب کاهش تقاضا در خرید مواد اولیه شد. در این شرایط، بحران به جوامع توسعه‌نیافته به عنوان تولیدکنندگان اصلی مواد اولیه تسری و انتقال یافت. این وضعیت سبب شد که تولیدات صنعتی کشورهای مهم سرمایه‌داری برای اولین بار، آن‌هم بعد از انقلاب صنعتی، کاهش یابد. این کاهش با توجه به تکانه و شوک ۲۰ درصدی جنگ جهانی اول، تولیدات صنعتی را به میزان یک‌سوم تولیدات زمان پیش از جنگ رساند (بشیریه، ۱۳۸۵: ص ۳۳۹).

در مجموع بحران مالی ۱۹۲۹م را می‌توان شامل مجموعه‌ای از عوامل دانست که در کنار هم یک بحران جهانی بزرگ را رقم زدند. این بحران نشان داد که وابستگی اقتصادی و متقابل جهان و عدم اتخاذ سیاست‌های هماهنگ و یا اتخاذ سیاست‌های معطوف به بقاء و حفظ خویش‌نمکن است به شکلی معکوس عمل نماید و موجب تشدید بحران شود. فهم الگوی بحران ۱۹۲۹م. می‌تواند ما را هم در فهم بحران‌های جدید نظیر

بحران ناشی از همه‌گیری کووید ۱۹ و همچنین راه‌های مدیریت این بحران راهگشا باشد.

۴. تحلیل یافته‌ها حول محور رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹

یافته‌های پژوهش حول محور فرضیه بر این نکته تأکید داشته‌اند که رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹م. نتیجه کاهش حجم تجارت، برهم خوردن تعادل مالی عمومی، تورم، بیکاری و کاهش رشد اقتصادی بوده است.

۴-۱. رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹ براساس کاهش حجم تجارت جهانی

در اینکه در پی همه‌گیری ویروس کرونا، تجارت کالاهای جهانی در سال ۲۰۱۹م تا حدودی کند شده است، تردیدی نیست. با شیوع ویروس کرونا، فعالیت اقتصادی در سراسر جهان مختل شد و تولیدات کاهش پیدا کرد. سازمان تجارت جهانی در کنفرانس مطبوعاتی پیش‌بینی تجارت اظهار داشت که تجارت جهانی در مقایسه با سال ۲۰۱۹م بین ۱۳ تا ۳۲ درصد کاهش می‌یابد. در سناریوی خوش‌بینانه، پیش‌بینی می‌شود که بهبود تجارت کالاها به سرعت پس از سال ۲۰۲۰م اتفاق بیفتد. در واقع، تقریباً با روند قبل از همه‌گیری کرونا مطابقت دارد. اما در سناریوی بدبینانه، پیش‌بینی می‌شود که تجارت کالاها بعد از سال ۲۰۲۰م افزایش نسبی خواهد داشت (فرهمنند، ۱۴۰۰: ص ۱).

تجارت جهانی بعد از سال ۲۰۰۰م به شکل مثبت ادامه داشته است، اما در سال ۲۰۰۹م به دلیل بحران مالی سال ۲۰۰۸م، رشد ۴۶/۱۰ درصدی را تجربه کرد. اگرچه تجارت جهانی در سال ۲۰۱۰م رشد سریع ۵۲/۱۲ درصد را نشان می‌دهد، اما به طور متوسط رشد ۵۷/۳ درصد بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹م محقق شده است. در سال ۲۰۱۹م روند نزولی در سرمایه‌گذاری‌های جهانی و تجارت آغاز شد. با همه‌گیری جهانی کرونا که در سه ماه آخر سال ۲۰۱۹م پدیدار شد، جهان نمی‌تواند از رفتن در یک بحران شدید جهانی نجات یابد. برای سال ۲۰۲۰م انتظار می‌رود که حجم تجارت ۵/۱۱ درصد منقبض شود (فرهمنند، ۱۴۰۰: ص ۲).

در محدوده اقدامات انجام شده برای کاهش سرعت شیوع ویروس کرونا، محدودیت‌های حرکتی (حمل و نقل، مسافرت)، بر میزان نیروی کار تأثیر منفی گذاشت. تولید در بسیاری از زمینه‌ها مانند گردشگری، سرگرمی، هواپیمایی و انرژی به شکل قابل توجهی متوقف شده، و به موازات کاهش تولید، تقاضا کاهش یافت. علاوه بر این، گفته می‌شود که تأثیرات این بحران در مقایسه با رکود بزرگ ۱۹۲۹م و بحران جهانی

۲۰۰۸م، تأثیر سرسام‌آوری دارد. با این حال، دلایل اصلی بحران اقتصادی که به همراه همه‌گیری ویروس کرونا ایجاد شده، با بحران‌های ۱۹۲۹ و ۲۰۰۸ متفاوت است. در بحران‌های قبلی، دولت‌ها توانستند به سرعت برای تحریک اقتصاد پیش بروند. اما با وجود اقدامات انجام شده برای مهار کرونا، این بحران در حال پیشرفت است. روندی که به عنوان یک بحران سلامت آغاز شد، به عنوان یک بحران اقتصادی ادامه دارد (فرهمند، ۱۴۰۰: ص ۳). بنابراین، می‌توان گفت که نخستین عامل رکود ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا، در کاهش حجم تجارت جهانی نمایان شده است. این امر به صورت اثر پروانه‌ای در بسیاری از زیرمجموعه‌های خود آشکار شد و در نتیجه، کشورهایی که در شبکه تجارت جهانی حضوری فعال داشتند، وارد گردونه رکود و بحران ناشی از حجم تجارت جهانی شدند.

۴-۲. رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹، براساس برهم خوردن تعادل مالی دولت

اطمینان از تعادل مالی عمومی از نظر اقتصاد کلان، از اهمیت بالایی برخوردار است. تا زمانی که سرمایه‌گذاری و ظرفیت تولید داخلی در مقابل کسر بودجه عمومی، افزایش نیابد، اقتصاد در معرض تهدید است. در نتیجه عدم تعادل مالی عمومی، روی متغیرهای کلان مانند تورم، بهره، رشد و توسعه تأثیرات منفی می‌گذارد. با شیوع ویروس کرونا، تراز مالی عمومی مانند کسر بودجه و بار سنگین بدهی، به تدریج در حال خراب شدن است. حتی در بسیاری از کشورها، کسر بودجه، و عدم تعادل بودجه عمومی، به یک حلقه معیوب تبدیل شده و روابط علت و معلول با هم مخلوط شده است. در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه، تورم زیاد، ناشی از خراب شدن تراز تأمین مالی عمومی و داشتن کسری بودجه است. در ادبیات اقتصاد، پذیرفته شده است که عدم تعادل مالی، زمینه‌ساز تورم بالا است. کسر بودجه عمومی باعث تورم و بهره می‌شود، تورم بالا باعث انحلال سرمایه و نرخ بهره بالا، باعث کاهش سطح پس‌انداز سرمایه‌گذاری خواهد شد. نرخ بهره بالا و تورم بالا، باعث انقباض در بازار، افزایش بیکاری، کاهش تولید و صادرات و برهم زدن تعادل خارجی می‌شود. انقباض اقتصادی تجربه شده و کسری زیاد حساب جاری، بر درآمد ملی یعنی رشد، تأثیر منفی می‌گذارد (سرلک، ۱۴۰۰: ص ۲۷).

با شیوع ویروس کرونا، افزایش نیاز به تجهیزات پزشکی، افزایش هزینه‌ها در بخش بهداشت و افزایش حمایت‌های اجتماعی و هزینه‌های اضافی غیرمنتظره، برای دولت‌ها به یک چالش اقتصادی تبدیل شده است. علاوه بر این، در نتیجه اقدامات همه‌گیرانه، بنگاه‌ها و خانوارها وارد یک تنگنای اقتصادی شده‌اند. علاوه بر

هزینه‌های اضافی غیرمنتظره، دولت‌ها برای خلاص شدن از تنگنای اقتصادی، به تهیه برنامه‌های حمایتی شامل سیاست‌های اقتصادی انبساطی اقدام کرده‌اند. اقدامات اتخاذ شده اقتصادی از طرف دولت‌ها، انتظار می‌رود که در سال ۲۰۲۰م. کسر بودجه بالایی ایجاد کند؛ زیرا شامل هزینه‌های سنگین عمومی، حمایت از انتقال و مزایای مالیاتی است. انتظار می‌رود سیاست‌های مالی انبساطی اعمال شده، کسر بودجه و بارهای بدهی عمومی را افزایش دهد. هرچند این اقدامات نسبت به اثرات منفی بیماری بر فضای کلان اقتصادی، از اهمیت درجه دوم برخوردارند، اما سیاست‌های تعادلی دولت در شمار مهم‌ترین رفتارهای موثر بر فضای اقتصادی است (کشاورزی و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۲۵).

در سال ۲۰۱۹م.، تراز مالی عمومی هر دو گروه از کشورها تا حدودی خراب شده است. با این حال، سناریوی سال ۲۰۲۰م. خیلی روشن نیست. در سال ۲۰۲۰م.، بدهی خالص عمومی به پایین‌ترین سطح رسیده است و انتظار می‌رود که در کشورهای توسعه‌یافته ۱۰/۶ درصد بوده، در حالی که انتظار می‌رود در کشورهای در حال توسعه، ۸/۹ درصد باشد. از سوی دیگر، انتظار می‌رود که کشورهای پیشرفته در سال ۲۰۲۱م.، به میزان ۵/۴ درصد نیازهای وام خود را کاهش دهند. تصور می‌شود که کشورهای در حال توسعه، به راحتی نمی‌توانند از نیازهای وام خود خلاص شوند. به طور خلاصه، به نظر می‌رسد که بیماری همه‌گیر و ویروس کرونا، نسبت به اثر بحران جهانی ۲۰۰۸ بر تراز مالی عمومی تأثیر بیشتری دارد (سرلک، ۱۴۰۰: ص ۲۸). در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت که تلاش دولت برای ایجاد تعادل عمومی در بودجه، اگرچه در شمار عوامل با اهمیت درجه دوم تلقی می‌شود، اما در داخل کشورها اثرات خود را نمایان خواهد ساخت و باعث تشدید بحران می‌شود.

۴-۳. رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹ براساس تورم

نرخ تورم که به طور کلی سطح تکریمی پایین خود را در کشورهای توسعه‌یافته حفظ می‌کند، ممکن است در کشورهای در حال توسعه بیشتر باشد. تقاضای زیاد کالاهای وارداتی از کشورهای در حال توسعه، تورم را تحت فشار قرار می‌دهد. در کشورهای در حال توسعه با کسر بودجه بالا و نرخ بدهی خارجی بالا، افزایش قیمت ارز باعث کاهش ارزش پول ملی می‌شود. این مسأله باعث حرکت رو به بالای نرخ تورم می‌گردد. مشاهده می‌شود که نرخ تورم، ارتباط مستقیمی با ساختار سرمایه بخش خصوصی و ساختار مالی بخش دولتی کشورها دارد. به دلیل کاهش تولید پس از همه‌گیری ویروس کرونا، کاهش قیمت نفت تا حدی قیمت محصولات را تسکین می‌دهد. همچنین عنوان شده است که کاهش ارزش پول ملی کشورهای در حال

توسعه، فشار جدی بر تورم وارد نخواهد کرد. نظر به گزارش‌های اقتصادی، تورم به طور کلی در آسیا و امریکای لاتین تحت کنترل است. نرخ بهره نیز در کشورهای در حال توسعه اروپا، در سطح پایین قرار دارد. در مواجهه با این روند، انتظار می‌رود که تورم در سراسر جهان برای سال ۲۰۲۰ کم باشد. با این حال، بانک‌های مرکزی هنوز نرخ خود را به سمت یک حرکت نزولی هدایت می‌کنند و هدف آن گسترش پایه پولی است. به عنوان مثال، در ایالات متحده امریکا، تصمیم‌گیرندگان سیاسی اعلام کرده‌اند که نرخ بهره را تا زمان عبور از اثر همه‌گیری ویروس کرونا، نزدیک به صفر نگه می‌دارند (رحمانی، ۱۴۰۰: ص ۳۸).

۴-۴. رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹ براساس بیکاری

جمعیت یک کشور از بُعد اقتصادی، به منظور انجام کار به دو گروه فعال و غیرفعال تقسیم می‌شود. جمعیت فعال در یک جامعه شامل کسانی است که آماده به کار هستند، یعنی توانایی و شرایط انجام کار را دارند که معمولاً افراد بین ۱۸ تا ۶۵ سال را در برمی‌گیرد و در مقابل، جمعیت غیرفعال شامل خردسالان، کهن سالان، بازنشستگان، از کار افتاده‌گان و خانم‌های خانه‌دار است. یکی از اهداف هر دولت، تحقق اشتغال کامل، یا به معنای واقعی کلمه به حداقل رساندن نرخ بیکاری است. پس از بحران سال ۲۰۰۸، نرخ بیکاری در جهان بین سال‌های ۲۰۱۰ م. و ۲۰۱۹ م. روند رو به پایین خود را حفظ کرد. در سال ۲۰۱۹ م.، نرخ بیکاری در جهان ۴/۹ درصد، نرخ بیکاری در کشورهای در حال توسعه ۴/۹ درصد و نرخ بیکاری در کشورهای پیشرفته، ۴/۸ درصد بود. با این حال، به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا، این انتظار وجود دارد که تعداد بیکاران در سال ۲۰۲۰ م. و حتی تا نیمه سال ۱۲۰۲ م. افزایش یابد. در حالی که برنامه‌های کاری کوتاه‌مدت، یارانه دست‌مزد و حمایت از بنگاه‌ها می‌تواند به کاهش بیکاری کمک کند، ولی بیماری همه‌گیر کرونا تأثیر جدی بر بازار کار گذاشته است. نرخ بیکاری در سال ۲۰۲۰ م. در تمام کشورهای جهان افزایش یافته است. تعداد بیکاران که تخمین زده می‌شود در سال ۲۰۱۹ م.، ۱۸۸ میلیون نفر باشند، به موازات رشد نیروی کار، سالانه تقریباً ۲/۵ میلیون نفر افزایش می‌یابد. این بدان معنا است که اقتصاد جهانی در حال حاضر به اندازه کافی شغل تولید نمی‌کند تا بتواند همه افراد تازه‌وارد به بازار کار را جذب نماید (تقی‌زاده انصاری، ۱۴۰۰: ص ۸۷).

۴-۵. تأثیر رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹ بر کاهش رشد اقتصادی

با همه‌گیر شدن ویروس کرونا، فعالیت‌های اقتصادی در بازار جهانی تضعیف شد. در سال ۲۰۱۹ م.، به دلیل کاهش در سرمایه‌گذاری و تجارت جهانی، رشد اقتصادی جهان کند شده است. با افزایش عدم اطمینان

در تجارت، همزمان با اقدامات انزوایی، انقباض قابل توجهی در تجارت بین‌الملل تجربه شد و انتظار می‌رود که حجم واردات جهانی در سال ۲۰۲۰م. حدود ۱۰ درصد کاهش یابد. انتظارات تقریباً در همه شاخص‌های اقتصادی منفی است. شیوع سریع کرونا، به شکل سریع تأثیرات نامطلوب بالایی بر شاخص‌های اقتصاد جهانی گذاشت، بسیاری از موسسات مالی بین‌المللی (مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و...) مجبور شدند که گزارش‌های چشم‌انداز اقتصادی جهان را اصلاح کنند و ارقام را در سال ۲۰۲۰م. به سمت پایین پیش‌بینی نمایند (خانی، ۱۴۰۰: ص ۱۲).

رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته ۳/۳ درصد، در کشورهای در حال توسعه ۲/۸ درصد و رشد جهانی ۰/۱ درصد بوده است. اما اقتصاد جهانی پس از سال ۲۰۱۰م بهبود یافت و نرخ رشد مثبت را تجربه کرد. به طور خلاصه بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۹م رشد اقتصادی جهان مثبت بوده است، اما در سال ۲۰۲۰م. به دلیل شیوع ویروس کرونا، رشد اقتصادی جهان، رشد ۳ درصدی را تجربه کرد (خانی، ۱۴۰۰: ص ۱۴)

جان کلام آنکه، در سال ۲۰۲۰م، بسیاری از کشورها و موسسات مالی بین‌المللی، رشد مثبتی را در اقتصاد پیش‌بینی کرده بودند. با این حال، سال ۲۰۲۰م با اخبار غیرمنتظره همراه بود و با شروع از چین، بیماری همه‌گیر ویروس کرونا تمام جهان را محاصره کرد. به منظور کاهش سرعت شیوع بیماری همه‌گیر و نجات سیستم بهداشت از سقوط، اقدامات بهداشت عمومی در درجه اول در سراسر جهان انجام شد. بسیاری از اقدامات انزوا مانند اقدامات قرنطینه‌ای، قانون فاصله‌گیری اجتماعی، شرایط کار انعطاف‌پذیر از راه دور و بستن مرزها اعمال گردید. با این حال، انزوای تحمیل‌شده، بحران جهانی را با خود به همراه آورد و در نهایت باعث کاهش تولیدات جهانی شد (خانی، ۱۴۰۰: ص ۱۶).

برخی از بنگاه‌ها به اخراج کارگران پرداختند، حجم تولید خود را کاهش دادند و برخی دیگر بیش از این تحمل نکردند و ورشکست شدند. ایجاد اختلال در سیستم خرید، توازن عرضه و تقاضا را برهم زد و باعث کاهش تجارت جهانی شد. در مقایسه با رکود بزرگ ۱۹۲۹م و بحران جهانی ۲۰۰۸م، بحران ویروس کرونا باعث ایجاد زنگ خطر در اقتصاد جهان و به عنوان بحران بزرگی تعریف شد که تا به امروز جهان تجربه نکرده بود. دولت‌ها مجبور شدند به منظور کاهش تعداد ورشکستگی، جلوگیری از بیکاری، جلوگیری از دست دادن درآمد و جلوگیری از سایر تخریب‌ها در اقتصاد، جریان فوری نقدینه‌گی را به بازار وارد کنند. در این زمینه، کشورها در مواجهه با بحران، به سرعت سیاست‌های اقتصادی انبساطی را اجرا کردند. با اعمال سیاست‌های اقتصادی، باز هم اثرات منفی این ویروس در حال افزایش است. به طور خلاصه در حال حاضر همه

کشورهای جهان، نظر به وضعیت اقتصادی‌شان، برای جلوگیری از اثرات موج دوم ویروس کرونا، به دنبال اعمال سیاست‌های جدید هستند. اما تا زمانی که واکسن این ویروس کشف نشود، اثرات منفی این ویروس بر متغیرهای اقتصاد کلان و خرد ادامه خواهد داشت. قطعاً سال ۲۰۲۰م برای کشورهای جهان یک سال بحران‌آفرین بوده و به عنوان یک بحران بی‌پیشینه در تاریخ اقتصاد جهان ثبت خواهد شد (خانی، ۱۴۰۰: ص ۱۸).

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش ضمن بررسی علت بیماری کووید ۱۹ و آشنایی با ریشه‌های بحران اقتصادی فاصله سال‌های ۱۹۲۹م تا ۱۹۳۲م، رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹م امکان‌سنجی شد. در این راستا، الگوی‌های رکود توری به عنوان الگوهای نظری، مورد شناسایی قرار گرفتند. همچنین بر این نکته تأکید شد که همه‌گیری کرونا، نه تنها سلامت عمومی را تهدید کرده است، بلکه باعث برهم زدن تعادل عرضه و تقاضا در فعالیتهای تجاری نیز شده است. از نظر اقتصادی، تقریباً تمامی بخش‌ها را تحت تأثیر قرار داده و به همین شکل بسیاری از افراد جامعه درآمدها را از دست دادند و این وضعیت بر رفاه افراد و جامعه تأثیر منفی گذاشته است. شیوع سریع ویروس کرونا، اقتصاد جهان را با بحران اقتصادی بی‌سابقه‌ای روبه‌رو کرده است. در واقع با شیوع ویروس کرونا، فعالیت اقتصادی در سراسر جهان مختل شد و تولیدات کاهش پیدا کرد. در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه، تورم زیاد، ناشی از خراب شدن تراز تأمین مالی عمومی و داشتن بودجه‌های کسری است. شیوع ویروس کرونا به طور جدی بر فعالیتهای اقتصادی مانند تراز مالی عمومی جهانی، نرخ بیکاری جهانی، نرخ تورم جهانی، حجم تجارت جهانی و نرخ رشد جهانی تأثیر منفی گذاشته است. نرخ بیکاری در پی همه‌گیری کرونا در سال ۲۰۲۰م در تمام کشورهای جهان افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۹م، به دلیل کاهش در سرمایه‌گذاری و تجارت جهانی، رشد اقتصادی جهان کند شده است. با افزایش عدم اطمینان در تجارت، همزمان با اقدامات انزوایی، انقباض قابل توجهی در تجارت بین‌الملل تجربه شد و انتظار می‌رود که حجم واردات جهانی در سال ۲۰۲۰م حدود ۱۰ درصد کاهش یابد. در مقایسه با رکود بزرگ ۱۹۲۹م و بحران جهانی ۲۰۰۸م، بحران ویروس کرونا باعث ایجاد زنگ خطر در اقتصاد جهان و به عنوان بحران بزرگی تعریف شد که تا به امروز جهان تجربه نکرده بود. دولت‌ها مجبور شده‌اند به منظور کاهش تعداد ورشکستگی، جلوگیری از بیکاری، جلوگیری از دست دادن درآمد و جلوگیری از سایر تخریب‌ها در اقتصاد، جریان فوری نقدینگی را به بازار وارد کنند.

منابع

- اشرفی بناب، مازیار (۱۳۹۹). *ریشه‌یابی پاندومی کرونا*. واشنگتن: مرکز همه‌گیری‌شناسی دانشگاه میشیگان ایالات متحده آمریکا. بشیریه، حسین (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: نشر نی.
- پورکریم، محمود (۱۳۹۹). *علت پیدایش کرونا ویروس با تاکید بر میکرو ارگانیسمی بودن آن*. لندن: مرکز مطالعات همه‌گیری‌شناسی انگلستان.
- تقی‌زاده انصاری، محمد (۱۴۰۰). *رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹ براساس بیکاری*. تهران: مرکز مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی.
- خانی، علیرضا (۱۴۰۰). *رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹ بر کاهش رشد اقتصادی*. تهران: مرکز مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی.
- رحمانی، فریده (۱۴۰۰). *رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹ براساس تورم*. تهران: مرکز مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی.
- سرلک، احمد (۱۴۰۰). *رکود اقتصادی حاصل از همه‌گیری کووید ۱۹ طبق الگوی رکود اقتصادی ۱۹۲۹ براساس برهم خوردن تعادل مالی دولت*. تهران: مرکز مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی.
- شجاعی دیوکلانی، سید حسن؛ شعبانی، امام‌علی (۱۳۹۰). *بحران اقتصادی ۱۹۲۹، پیامدها و واکنش‌ها در ایران*. *مطالعات تاریخ فرهنگی*، ۲(۸).
- صدری، مازیار (۱۴۰۰). *علت پیدایش کرونا ویروس با تاکید بر خطای آزمایشگاهی*. واشنگتن: مرکز ویروس‌شناسی دانشگاه میشیگان ایالات متحده آمریکا.
- طیبنیا، علی؛ قاسمی، فاطمه (۱۳۸۹). *اندازه‌گیری چرخه‌های تجاری در ایران*. *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۹۲.
- عظیمی آرانی، حسین (۱۳۸۹). *مدارهای توسعه یافتگی در اقتصاد ایران*. تهران: نشر نی.
- غفاری، ماهان (۱۳۹۹). *ریشه‌های همه‌گیری کرونا*. واشنگتن: مرکز همه‌گیری‌شناسی دانشگاه میشیگان ایالات متحده آمریکا.
- فرهمنند، محمداکبر (۱۴۰۰). *تاثیرات کرونا بر اقتصاد جهانی: تعادل مالی عمومی، حجم تجارت، تورم، بیکاری و رشد اقتصادی*. تهران: مرکز مطالعات استراتژیک.
- فیندلی، کارتر (۱۳۷۹). *جهان در قرن بیستم*. تهران: نشر ققنوس.
- کشاوری، علی و همکاران (۱۳۹۹). *نقش دولت در شرایط مواجهه با بیماری پاندمیک*. *مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۴(۲۵): ص ۲۵-۵۲.
- میرهاشمی نائینی، سیمین السادات؛ گوگردچیان، احمد (۱۳۹۰). *نقش سیاست‌های پولی و اعتباری در مدیریت چرخه‌های تجاری کشور*. *تحقیقات اقتصادی راه‌اندیشه*، ۱(۴).
- هرسنی، صلاح‌الدین (۱۳۹۸). *پاندومی کرونا، تکامل ویروس یا بیوتورسزم*. تهران: سامانه تحلیلی و خبری جهان صنعت نیوز.
- هژبرکیانی، کامبیز (۱۳۹۰). *تعیین نقاط چرخش در دوره‌های تجاری اقتصاد ایران با استفاده از الگوی خودبازگشتی سونیچینگ مارکف*. *مدل‌سازی اقتصادی*، ۵(۲).